

بسمه تعالی

عنوان عام :	صلاه مسافر
عنوان خاص :	حد تقصیر - بررسی روایات
موضوع :	بررسی توثیق عام مستفاد از مشایخ ثقات
تاریخ :	سه شنبه ۱۳۹۹/۰۸/۰۶ جلسه ۱۸
مقرر :	سجاد آریس

خلاصه بحث گذشته

بحث ما در اشکال اول مرحوم آقای خوئی ره به این شهادت بر "لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقه" مرحوم شیخ بود. که اشکال اول ایشان متمرکز بر این بود که این شهادت یک شهادت حسی نیست بلکه یک شهادت حدسی و اجتهادی است. ایشان برای حدسی بودن این شهادت دلائلی آوردند که دلیل سوم ایشان این بود که منشاء این ادعای شیخ ره همان شهادت مرحوم کشی ره بر "اجمعت الاصابه علی

تصحیح ما یصح عنهم هؤلاء سته من اصحاب ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام و سته من اصحاب ابی عبدالله علیه السلام و سته من اصحاب ابی الحسن و علی بن موسی علیهما السلام" است. مبنای شهادت شیخ ره این کلام مرحوم کشی است و شیخ ره این را از کلام مرحوم کشی ره فهمیده است که "لا یرسلون و لا یروون الا عن ثقه" که معنی آن این است که "من یروی عنهم هؤلاء الثلاثه" توثیق می شوند. این فهم شیخ ره از عبارت مرحوم کشی ره است. آن وقت مرحوم خوئی ره اینجا چنین می فرماید که :

فمن المطمأن به أن منشأ هذه الدعوى هو دعوى الكشى الإجماع على تصحيح ما یصح عن هؤلاء. و قد زعم الشيخ أن منشأ الإجماع هو أن هؤلاء لا یروون إلا عن ثقه، و قد مر قریباً بطلان ذلك.^۱

بطلان این گمان شیخ ره هم در جایی است که مرحوم خوئی ره اصل حرف مرحوم کشی ره را اینگونه تفسیر کرده اند که :

فمن الظاهر أن کلام الكشى لا ینظر إلى الحکم بصحة ما رواه أحد المذكورين عن المعصومين ع، حتی إذا كانت الروایة مرسله أو مرویه عن ضعیف أو مجهول الحال، و إنما ینظر إلى بیان جلاله هؤلاء، و أن الإجماع قد انعقد على وثاقتهم و فقههم و تصدیقهم فی ما یروونه. و معنی ذلك أنهم لا یتهمون

^۱ : معجم الرجال ج ۱ ص ۶۴

بالکذب فی أخبارهم و روایتهم، و این هذا من دعوی الإجماع علی الحكم بصحة جميع ما رووه عن المعصومین ع، و إن كانت الوسطة مجهولا أو ضعيفا؟^۲

خلاصه حرف مرحوم آقای خوئی این است که اولاً مستند شهادت شیخ ره حرف مرحوم کشی ره است و حرف کشی ره هم این بوده و شیخ ره چیز دیگری از آن فهمیده است. حرف کشی این بوده که اینها آدم های خوبی بوده اند و لا یتهمون بالکذب و اجماع اصحاب بر وثاقت خود اینها بوده است. مدعای مرحوم کشی چیزی بیش از این نیست. مرحوم شیخ ره از این ادعای اجماع مرحوم کشی چنین فهمیده که یعنی اینها هرچه روایت کنند از ثقه روایت می کنند.

ما در این کلام مرحوم خوئی مناقشه داریم. در این کلام مرحوم خوئی ره سه ادعا وجود دارد که هر سه ادعا را ما رد می کنیم.

ادعای اول بحث شد و خلاصه آن این بود که منشاء شهادت مرحوم شیخ کلام مرحوم کشی است. و ما در جواب گفتیم که این کلام مرحوم خوئی هیچ دلیلی ندارد چون مرحوم شیخ از مرحوم کشی که تقلید نمی کرده اند اینکه از باب تعبد باشد چنین چیزی در حق مرحوم شیخ معقول نیست که تعبداً قائل به کلام مرحوم کشی ره شوند. لابد این کلام شیخ ره از باب فحص و شهادت از روی حس است به این معنی که او هم به آن چه که مرحوم کشی فرموده رسیده است، نه اینکه از باب تقلید بوده است. حال اگر شیخ ره این مطلب را یافته است و از باب تقلید نبوده است شما می گوئید مرحوم شیخ کلام مرحوم کشی را بد فهمیده است و چیزی را فهمیده است که مراد مرحوم کشی ره نبوده است. ما گفتیم شما می مرحوم خوئی

^۲ : معجم الرجال ج ۱ ص ۶۱

ره که ۱۲۰۰ سال بعد از مرحوم کشی ره آمدید شما کلام مرحوم کشی ره را می فهمید ولی شیخ ره که تقریباً معاصر با مرحوم کشی ره بوده است او کلام مرحوم کشی را نمی فهمیده است؟! که شما بگوئید شیخ ره اشتباه فهمیده است .

اگر مرحوم کشی ره می خواسته بگوید که اینها ثقه هستند مگر بلد نبوده که بگوید اینها ثقه هستند ؟ یا اجمعوا الاصحاب علی وثاقتهم؟ این چه عبارتی است که فرموده " اجمعت الاصابه علی تصحیح ما یصح عنهم " ؟ مگر شیخ ره بلد نبوده که مثل بقیه رجالیون در توثیقات شان حرف بزنند؟ این عبارت در توثیق سایر رجال ثقه نیامده است .

پس اینکه ادعا بشود که منشاء کلام مرحوم کشی ره کلام مرحوم کشی ره است این حرف به نظر ما هیچ اساسی ندارد ، یعنی مفهوم معقولی ندارد چون معنی آن یا تقلید تبعدی است که این احتمال جایی ندارد یا بگوئیم مرحوم کشی ره یه حرفی را گفته اند که مرحوم کشی ره این حرف را نفهمیده است این هم محتمل نیست .

ادعای دوم مرحوم خوئی ره

ادعای دوم در فرمایش مرحوم خوئی ره این است که فرمود :

فمن الظاهر أن كلام الكشي لا ينظر إلى الحكم بصحة ما رواه أحد المذكورين عن المعصومين ع، حتى إذا كانت الرواية مرسله أو مرويه عن ضعيف أو مجهول الحال، وإنما ينظر إلى بيان جلاله هؤلاء، و أن الإجماع قد انعقد على وثاقتهم و فقههم و تصديقهم في ما يروونه.^۳

جواب ادعای دوم مرحوم خوئی ره

این دعوی هم دعوی درستی نیست. اینکه شما بگوئید کلام مرحوم کشی ره ناظر به جلالت قدر این افراد است و بر این مطلب (که اگر روایتی تا اینجا صحیح شد از اینجا به بعد را دیگر ما تحقیق نمی کنیم و لازم نیست درباره من یروی عنهم این افراد بحث کنیم چون روایت از اونها به بعد تا معصوم ع صحیح خواهد بود چون ثقات هستند.) دلالتی ندارد. و مراد مرحوم کشی ره تنها این است که اصحاب اجماع آدم های خوبی هستند و در نزد اصحاب مورد وثاقت بوده اند.

عرض ما این است (البته این را در ضمن حرف قبلی هم گفتیم) که عبارت مرحوم کشی ره یک چیز دیگری است. عبارت مرحوم کشی این است که:

اجمعت الاصابه علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء^۴

و این کلام مرحوم خوئی ره خلاف ظاهر کلام مرحوم کشی ره است. اگر مرحوم کشی ره فقط می خواست بگوید که "هؤلاء ثقات و اجله و کذا ... " خوب مثل بقیه روات ثقات در اینجا هم می

^۳: معجم الرجال ج ۱ ص ۶۱

^۴: رجال الکشی ص ۵۵۶

گفت اینها ثقات هستند . مرحوم کشی یا مرحوم نجاشی بقیه روات دیگر را هم توثیق کرده اند و گاهی می گویند ثقه و گاهی می گویند جلیل القدر و گاهی می گویند وجه و گاهی می گویند عین و امثال این عبارت ها ، اما این عبارت "اجمعت الاصابه علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء" این یه چیز دیگری را می فهماند . این ادعای مرحوم خوئی ره خلاف ظاهر است و قرینه ی خاصه ای می خواهد که چنین قرینه ای هم وجود ندارد . و اصلا داعی هم بر این برداشت مرحوم خوئی ره وجود ندارد ، چه داعی وجود دارد که برای بیان جلالت قدر این روات بیایند و اینگونه تعبیری را استفاده کنند؟.

ادعای سوم مرحوم خوئی ره

ادعای سوم مرحوم آقای خوئی ره این است که :

و معنی ذلك أنهم لا يتهمون بالكذب في أخبارهم و روايتهم، و أين هذا من دعوى الإجماع على الحكم بصحة جميع ما رووه عن المعصومين ع، و إن كانت الوساطة مجهولا أو ضعيفا؟^۵

یعنی معنی کلام مرحوم کشی ره که فرمود : " اجمعت الاصابه علی تصحیح ما یصح عنهم " این است که " اجمعت الاصابه علی عدم تکذیبهم و عدم اتهامهم بالكذب فی روايتهم "

جواب ادعای سوم مرحوم خوئی ره

این هم چیز عجیبی است . اولاً ثقاتی که " اجمعت الاصابه علی وثاقتهم " خیلی ها هستند و اختصاصی به این ۱۸ نفر ندارند . ما در اینجا یک لیست مفصلی را از کسانی آورده ایم که اصحاب بر

۵ : معجم الرجال ج ۱ ص ۶۱

وثاقت آنها اجماع دارند و اختصاصی به این ۱۸ نفر ندارد ، پس معلوم می شود که این ۱۸ نفر یک خصوصیتی دارند و بحث اجماع بر وثاقت یا عدم کذب اینها نیست.

بعلاوه آن مطلبی که قبلا گفتیم که اگر مرحوم کشی ره می خواستند بگویند که "لا یتهمون بالكذب" خوب بلد بود که بگوید و یک عبارتی را می آورند که این معنی را بفهماند. ولی این عبارتی که آورده این را نمی فهماند و چیز دیگری را می فهماند .

مهم ترین دلیل بر عدم صحت فرمایش مرحوم خوئی این است که ما روایت فراوانی از امام باقر تا امام رضا علیهما السلام داریم که اینها از بزرگان روایت هستند و از روایتی هستند که "اتفق الاصحاب علی وثاقتهم" و هیچ یک از اینها جزء این ۱۸ نفر نیستند . پس معلوم می شود این تعبیر اجمعت الاصابه غیر از آن مساله اجماع اصحاب بر وثاقت آنها است. و آن مطلب این است که اگر روایتی تا به این ها صحیح بود از اینها به بعد ما حکم به صحت روایت می کنیم ، یعنی حکم می کنیم که روایتی که این افراد از آنها روایت کرده اند ثقات هستند و این امتیازی است که این تعبیر نسبت به سایر تعبیر دارد. اما اینکه اینها ثقه باشند و متهم به کذب نباشند ما عده ی زیادی از اصحاب ائمه علیهم السلام داریم که "اتفق الاصحاب علی وثاقتهم ولكن لم یدخلون تحت اصحاب الاجماع". اصحاب اجماعی که می گویند مراد از آن اجماع بر وثاقت آنها نیست بلکه اجماع بر تصحیح ما یصح عنهم است.

لیست روایات ثقات اتفاقی که جزء اصحاب اجماع نیستند

ما در اینجا فهرستی را آورده ایم مثلا نمونه هایی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام را آوردیم که اتفاق الاصحاب علی وثاقتهم و لم یدخلوا فی اصحاب الاجماع.

اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام

۱: ابان بن تغلب

ابان بن تغلب چهره ی بر جسته ای است که اتفاق الاصحاب علی وثاقتہ . تا جایی که نجاشی ره درباره ی او می گوید :

عظیم المنزلۃ فی أصحابنا لقی علی بن الحسین و أبا جعفر و أبا عبد الله علیهم السلام روی عنهم و کانت له عندهم منزلۃ و قدم.^۶

بعد درباره اش می گوید :

و کان أبان رحمه الله مقدما فی کل فن من العلم فی القرآن و الفقه و الحدیث و الأدب و اللغه و النحو^۷

و قد ورد عن الصادق علیه السلام بشأن ابان بن تغلب ما يدل علی منزلته عظیمه له عنده فقد جاء فی صحیحہ ابان بن عثمان ان الصادق علیه السلام قال له ان ابان بن تغلب قد روی عنی روایه کثیره فما رواه لك عنی فاروه عنی (یعنی هرچه ابان به من نسبت بدهد این صحیح است).^۸

^۶ : رجال النجاشی ص ۱۰

^۷ : همان

^۸ : همان

مسلم بن ابی حیه هم نظیر این روایت را در حق ابان بن تغلب نقل کرده است که می توانید به وسائل ابواب صفات القاضی باب ۱۱ ح ۳۰ مراجعه کنید.

مرحوم کشی به سند صحیح درباره ابان بن تغلب روایت کرده است :

قال قال لی ابو عبدالله جالس اهل المدینه فانی احب ان یروا فی شیعتنا مثلک^۹.

یعنی حضرت به ابان می گویند برو و جالس بین اهل مدینه که من دوست دارم در بین شیعه مثل تو پیدا بشود و نمونه ی اعلای شیعه ی ائمه اطهار بوده است ولی مع ذلک او را از اصحاب اجماع ذکر نکرده اند .

یا مثلاً شیخ در فهرست درباره ابان بن تغلب نقل می کنند:

قال قال ابو جعفر علیه السلام اجلس فی مسجد المدینه و افتی الناس فانی احب ان یری فی شیعتی مثلک^{۱۰}

اینها عباراتی است که از ائمه اطهار روایت شده است که اتفاق درباره وثاقت ابان وجود دارد اما در اصحاب اجماع نیامده است.

۲: محمد بن قیس بجلی

^۹: رجال کشی ص ۳۳۱

^{۱۰}: فهرست ج ۱ ص ۴۵

قال عنه النجاشی ابو عبدالله البجلي ثقة عين كوفي روى عن ابي جعفر و ابي عبد الله^{۱۱}

۳: معمر بن يحيى بن سالم العجلي

قال عنه النجاشی كوفي عربي صميم ثقة متقدم^{۱۲}

اینها همه ثقاتی هستند که اصحاب در وثاقت اینها اختلافی نکرده اند و اتفاق بر وثاقت آنها داریم.

۴: سلیمان بن خالد بن دهقان

قال عنه النجاشی كان قارئاً فقيها وجها روى عن ابي عبدالله و ابي جعفر^{۱۳}

۵: زیاد بن عیسی ابو عبیده حذاء

قال عنه النجاشی كوفي ثقة روى عن ابي جعفر و ابي عبد الله

و قال سعد بن عبد الله الاشعري و من اصحاب ابي جعفر ابو عبید الحذاء و هو زیاد بن ابي رجاء كوفي ثقة صحيح و روى عن العقیقی العلوی قوله ابو عبید الحذاء كان حسن المنزله عند آل محمد صلى الله عليه و آله و كان زام لابی جعفر عليه السلام الى مكه له كتاب يرويه على بن رئاب ، محمد بن الحسن بن ابي ساره قال عنه النجاشی روى عن ابي جعفر و عن ابي عبد الله سلام الله عليهما و ابن عم محمد بن الحسن

^{۱۱} : رجال النجاشی ص ۳۲۴

^{۱۲} : همان ص ۴۲۶

^{۱۳} : همان ص ۱۸۴

معاذ بن مسلم بن ابی ساره و هم اهل بیت فضل و ادب و علی معاذ و محمد فقه الکسائی علم العرب (کسائی معروف از شاگردان محمد بن حسن بن ابی ساره و معاذ پسر عمویش بوده است) الی ان قال و هم ثقات لا یطعن علیهم بشیء^{۱۴}

اینها هم اصحاب بر وثاقت آنها اتفاق دارند و اختلافی در وثاقت آنها ندارند.

تعدای دیگر را از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام آورده ایم که اصحاب بر وثاقت آنها اتفاق دارند

اصحاب امام صادق علیه السلام

۱: عبد الله بن ابی یغفور العبدی

قال عنه النجاشی یکنی ابا محمد ثقہ ثقہ جلیل فی اصحابنا کریم علی ابی عبد الله و مات فی ایامه و کان قارئاً یقرء فی مسجد الکوفه له کتاب یرویه.^{۱۵}

۲: عبد الله بن سنان

قال عنه النجاشی کوفی ثقہ من اصحابنا جلیل لا یطعن علیه فی شیء^{۱۶}

^{۱۴}: رجال النجاشی ص ۱۷۱

^{۱۵}: همان ص ۲۱۴

^{۱۶}: همان ص ۲۱۵

۳: فضل بن عبد الملك ابو العباس بقباق

قال عنه النجاشي مولى كوفي ثقة عين روى عن ابي عبد الله صلوات الله عليه^{۱۷}

۴: عاصم بن عبد الحميد

قال عنه النجاشي مولى كوفي ثقة عين صدوق روى عن ابي عبد الله صلوات الله عليه^{۱۸}

۵: عمر بن خالد حناط

قال عنه النجاشي مولى كوفي ثقة عين صدوق روى عن ابي عبد الله صلوات الله عليه^{۱۹}

۶: علي بن عقبه الاسدي

قال عنه النجاشي كوفي ثقة روى عن ابي عبد الله صلوات الله عليه^{۲۰}

۷: علاء بن رزين

^{۱۷}: رجال النجاشي ص ۳۰۹

^{۱۸}: همان ص ۳۰۲

^{۱۹}: همان ص ۲۸۷

^{۲۰}: همان ص ۲۷۲

قال عنه النجاشی روی عن ابی عبدالله و صحب محمد بن مسلم و فقه علیه و کان ثقہ وجہا^{۲۱}

۸: عبید بن زرارہ بن اعین

قال فیہ النجاشی روی عن ابی عبد الله علیہ السلام ثقہ عین لا لبس فیہ و لا شک له کتاب یرویہ عنہ جماعہ^{۲۲}

اینها عده ای از اصحاب امام صادق علیه السلام که اصحاب بر وثاقت آنها اتفاق دارند.

اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام

لیستی از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام داریم که باز این افراد در زمره ۶ نفر اصحاب اجماع از این دو امام نیستند و غیر از ۶ نفر اصحاب اجماع هستند.

۱: محمد بن اسماعیل بن بزیر

قال عنه النجاشی کان من صالحی هذه الطائفة و ثقاتهم کثیر العمل و روی عن ابی العباس بن سعید فی کتابہ قال سالت عنه علی بن الحسن فقال ثقہ عین و روی النجاشی بسنده عن الحسن بن خالد الصیرفی

^{۲۱}: همان ص ۲۹۹

^{۲۲}: رجال النجاشی ص ۲۳۴

قال كنا عند الرضا سلام الله عليه و نحن جماعه فذكر محمد بن اسماعيل بن بزيع و قال وددت ان فيكم
مثله^{۲۳}

۲: حبيب بن معل الخثمي الكوفي المدائني

قال عنه النجاشي روى عن ابي عبد الله و ابي الحسن و الرضا عليهم السلام ثقه ثقه صحيح له كتاب رواه
محمد بن ابي عمير^{۲۴}

۳: سهل بن يسع بن عبد الله بن سعد اشعري

قال عنه النجاشي قمى ثقه^{۲۵}

۴: سعيد بن جناح

قال عنه النجاشي و اخوه ابو عامر روى عن ابي الحسب الرضا و كانا ثقتين^{۲۶}

^{۲۳}: همان ص ۳۳۱

^{۲۴}: همان ص ۱۴۲

^{۲۵}: رجال النجاشي ص ۱۸۷

^{۲۶}: رجال النجاشي ص ۱۹۲

به هر حال ثقات از اصحاب ائمه اطهار بسیار زیاد است. ثقاتی که مسلم الوثاقه هستند و اختلافی در وثاقت آنها نیست و اینها هم همه خارج از لیست کشی ره هستند و کشی ره هم عارف به کتب و رجال بوده است و نمی شود گفت که این تعداد کثیر از قلم کشی ره افتاده است یا اشتباه کرده است.

بنابراین این عبارتی که درباره خصوص این ۱۸ نفر می آورند که می گوید: **"اجمعت الاصابه ..."** این یعنی اجمعت الاصابه بر اینکه کسانی که اینها از او روایت می کنند ثقة هستند. و لذا جایی برای بحث وجود ندارد.

این غیر از این است که بگوئید خودشان ثقة هستند. اگر بنا بود که بگویند خودشان ثقة هستند اولاً عبارت دیگری می آوردند و در ثانی حرف ایشان منقوض میشد با این همه ثقاتی که **"لم یذکرهم فی اصحاب الاجماع و لکن اجمعت الاصابه علی وثاقتهم و وجاهتهم و حسنهم و عدلهم"** و افرادی مثل ابان بن تغلب و عبید بن زراره و محمد بن اسماعیل بزیع و خیلی دیگر که اینها از اجله ثقات اصحاب ائمه اطهار بوده اند در بین آنها هستند. و اینها در لیست ۱۸ نفر کشی نیامده اند، بنابر این این فرمایش مرحوم خوئی که می گویند مقصود کشی ره این است که **"انهم لا یتهمون بالمدب فی روایتهم و اخبارهم"**، پس اینها همه افراد چی هستند؟ تازه ما همه را نیاوردیم و نمونه ای را آوردیم.

پس این فرمایش مرحوم خوئی لا عبره به و لا اساس له.

اجمالاً از این اشکال اول مرحوم خوئی فارغ شدیم که خلاصه آن این بود که این شهادتی که شیخ ره داده اند اولاً منشاء آن کلام کشی است و بعد کلام کشی ره بیش از این نمی فهماند که اینها ثقة هستند،

و گفتیم این کلام درستی نیست و بلکه صحیح همان است که شیخ رهاز کلام مرحوم کشی ره فهمیده است. و کلام کشی ره هم نمی تواند غیر از آن چه شیخ ره فرموده است فایده داشته باشد و مفید باشد.

ادامه بحث را ان شاء الله در اشکال دوم و سوم مرحوم خوئی ادامه خواهیم داد.

"و السلام علیکم و رحمه الله"